

کنکاش

تفاوت رویکردها، چرا؟



محمد هاشمی‌رفسنجانی رییس پیشین سازمان صداوسیما

● تفاوت رویکرد صداوسیما در مواجهه با دولت گذشته و فعلی، امری مشهود است. نوع پوشش اخبار فعالیت‌های دولت در حوزه‌های داخلی و به ویژه سیاست خارجی، گلهای اقتصادی دولت، فعالیت‌های فرهنگی و به‌طور کلی اقدامات بااهمیت آن، این مساله را به خوبی نشان می‌دهد. در هشت‌سال دولت پیشین، سفرهای منطقه‌ای عادی یا حضور برخی کشورهای نه‌چندان شناخته‌شده در ایران، با عنوان دیپلماسی فعال دولت نام برده شده و صدای منتقدان دلسوز کشور در انتقاد به این رویه‌ها در این رسانه جایی نداشت. در حوزه اقتصادی هم دهها اقتصاددان، نسبت به شیوه‌های در پیش گرفته‌شده ابراز نگرانی کرده و برای مناظره در برنامه‌های مختلف، اعلام آمادگی می‌کردند اما اثری از آنان دیده نمی‌شد. این سوال باید از صداوسیما پرسیده شود که «چرا اینگونه عمل می‌کند؟» نمونه دیگر این موضوع، همین گفت‌وگوهای مستقیمی است که روسای‌جمهور با مردم دارند و دیده شد که در دومین گفت‌وگوی زنده دکتر روحانی، چه شرایطی برای ایشان ایجاد شد و با یکساعت‌تویم تأخیر روی آنتن رفت که چالش‌های زیادی را در بخش‌های مختلف کشور ایجاد کرد. روال پخش «برنامه زنده» یا حضور روسای‌جمهور در سیمای ملی، قالب مصوب و غیرقابل تغییر نیست. رویه پخش چنین برنامه‌هایی را «عرف» یا «توافق» میان رییس‌جمهوری و نمایندگان رسانه‌ای او با مسوولان رسانه ملی تعیین می‌کند و این رویه در سال‌های گذشته، مبنای پخش «برنامه زنده» روسای‌جمهور بوده است. در دولت گذشته، مجری اغلب برنامه‌های زنده‌ای که آقای احمدی‌نژاد در سیماداشت، فرد مشخصی بود. بنابراین، چنین روشی در مسیر توافق با رییس‌جمهور در زمینه گزینه مطلوب وی برای اجرای برنامه زبنده رسانه‌ای در ابعاد «ملی» نیست زیرا رییس‌جمهور، نماینده تمامی ایرانیان است و باید به‌نظر او درباره انتخاب مجری، احترام گذاشت. پس این مساله را فراتر از آنچه به‌نظر می‌رسد دید. به‌رحال از زمان استقرار دولت «تدبیر و امید»، مشی رسانه ملی پیرامون عملکرد تحسین‌نیگیز و کارنامه قابل دفاع رییس‌جمهوری و دولت، تا حدی دور از انصاف است. این واقعیت هنگامی ملموس‌تر می‌شود که رویکرد صداوسیما به دولت یازدهم را با نگاه رسانه ملی به دولت پیشین، مقایسه کنیم. در حال حاضر، برخی بخش‌های خبری و برنامه‌های خاص و میزگردها، جهت‌گیری تخریبی در قبال دولت دارند اما مسوولان صداوسیما از این نکته غافلند که اگر چنین تبلیغاتی می‌توانست بر افکار عمومی تأثیر بگذارد، مردم در ۲۴ خرداد نباید به روحانی رای می‌دادند. برخی عملکردهای جهت‌دار سیاه در صداوسیما طی سالهای گذشته هم سابقه داشته است و در مورد بعضی دیگر از چهره‌های ملی یا طرفداران گرایش‌های سیاسی باسابقه، به همین شکل رفتار شده است. همه می‌دانند این‌تاله هاشمی‌رفسنجانی تاریخ زنده انقلاب است و با حکم امام، فرماندهی جنگ را بر عهده داشتند. مدت‌هاست که اشکال مختلفی در جهت تبلیاب شده در دیدارهای رییس مجمع‌تشخیص مصلحت بدون بررسی جملات قبلی و بعدی به شکل گزینشی و بعضاً در بخشی که گوینده لحن طعنی دارد، منعکس شده و پس از آن هم تعریض به ایشان که مورد احترام قاطبه مردم ایران بوده و در جهان شناخته شده هستند، توسط گوینده با لحنی نامناسب انجام می‌شود! این امر در بهترین حالت، نوعی کج‌سیلیقتی را نشان داده و در نمای واقعی‌تر، به‌نوعی تخریب شخصیت ایشان را نشان می‌دهد. در نقطه مقابل، این رسانه با حجابین برخی دیگر از طیف‌های سیاسی رویه‌ای کاملاً متفاوت داشته و به آنان تریبون داده و در برنامه‌های خود، کوشیده‌است به‌طور صریح یا ضمنی آنان را مورد حمایت تبلیابی قرار دهد. چنین رویکرد دوگانه‌ای از چشمان تیزبین افکار عمومی پنهان نمانده و باعث شده اعتماد بخشی از مخاطبان به رسانه ملی تضعیف شود. این در حالی است که بارها در دوران امام(ره) که نگارنده مسوولیت سازمان صداوسیما را داشت، ایشان بر حفظ حرمت و رعایت نکات حرفه‌ای در امور رسانه‌ای تأکید داشتند. حتی در زمانی که نسبت به یکی از گویندگان خبر سیما، جبهه‌گیری در بیرون سازمان صورت گرفت امام از من خواست یکی از بیانیه‌هایی که صادر کردند را فرد مورد نظر بخواند. انتظار این است که رویه فعلی صداوسیما، اصلاح شود. برخورداری افراطی با دولتی که وارث شرایط ناساعد در همه حوزه‌هاست، چه توسط تعداد معدودی تنسودر در مجلس صورت گیرد و چه در رسانه ملی که با بودجه بیت‌المال آید می‌شود، سودی برای علمان آن نخواهد داشت اما گویا، بعضی اصرار دارند اشتباهات چندباره گذشته را تکرار کنند و تمایلی ندارند از خروجی نهایی اقدامات ناکام پیشین خوش، پند گیرند. با این حال واقعیت این است که رییس صداوسیما همیشه تصمیم‌گیری نیست و بعضی سیاستگذاری‌ها به گونه‌ای دیگر صورت می‌گیرد. این روند در خود صداوسیما نیز قابل رویت است و می‌بینید رفتارها متفاوت است. مثلاً بخش خبری ۲۰:۳۰ دست افرادی است که کمتر اخلاق رسانه‌ای را رعایت می‌کنند اما در شبکه‌های دیگر متفاوت از آن عمل می‌شود. اگر از دیدگاه‌های سیاسی بگیریم، از نظر فرهنگی نیز برخی از برنامه‌دارای اشکالات جدی است و اینکه چرا چیزی آنان همچنان ادامه دارد یا در بازنینی، اجازه پخش صادر شده است و چه جرئانی در این میان وجود دارد، از آن اطلاعی ندارم. وقتی به‌عنوان ناظر بیرونی به این برنامه‌ها و تولیدات نگاه شود، تفاوت کیفی برنامه‌ها و متضادبودن سیاست‌های صداوسیما کاملاً مشهود است.

سومین روز تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم، وقتی حسن روحانی در گفت‌وگوی زنده شبکه‌دوم سیما مقابل یکی از مجریان نشست که به‌واسطه نوع اجرا، کلام و دانسته‌ها معمولاً مخاطب را آزار می‌دهد، در فرزار پایانی خود به صراحت از رویه این رسانه در سال ۸۸ انتقاد کرد: «توسعه هدف اصلی است؛ توسعه توام با عدالت. عدالت یعنی اینکه هرچیزی در جای خودش باشد. عدالت یعنی اینکه تولیدگر جای خودش باشد. عدالت یعنی اینکه در جامعه کسی که می‌خواهد حرف بزند لکنت نداشته باشد. اما همه باید بدانیم که عدالت از اعتدال می‌گذرد. عدالت می‌تواند ملت را به سربلندی برساند. عدالت یعنی اینکه وقتی مسوولی سوار هواپیما می‌شود به‌جای اینکه خانواده و خبرنگار را ببرد، تولیدکنندگان را ببرد. عدالت چقدر زیبا اما همه‌جا ای کاش اینجا در صداوسیما هم عدالت بود. به خیلی‌ها در رسانه‌ها ظلم شد. در همین رسانه ملی، کاش همان شبی که به آنها تهمت زده شد، می‌آمدند و پاسخ داده می‌شد. به خیلی از یاران امام توهین شد اما صداوسیما عدالت نداشت. به خیلی از کسانی که در زندان شاه شلاق خورده بودند در صداوسیما توهین شد. صداوسیما علوی یعنی اینکه وقتی در صداوسیما به یک کسی توهین شد باید خودش به آن طرف زنگ بزند و بگوید بیاید و پاسخ بدهد. گاهی به خیلی‌ها توهین می‌شود باید به آنها فرصت پاسخ بدهیم. اینها سرمایه انقلاب هستند نباید اینها را از دست بدهیم.» مجری هم برای اینکه نامزد نیروهای تحول خواه را به قول خودش به چالش بکشد، این سوال را پرسید: «برخی می‌گویند در سعادیات همه چیز متوقف شد. چقدر دولت تدبیر انتقادپذیر است؟» اشاره او به همان مسایلی است که سال‌ها پیرامون عملکرد تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای دولت اصلاحات در برخی رسانه‌های خاص و به‌ویژه صداوسیما مطرح شده بود اما امکان پاسخگویی برای دیپلمات‌های شاخص و اعضای این تیم وجود نداشت. حسن روحانی آن شب گویی در انتظار طرح این سوال بود. برنامه زنده، فرصت مناسبی بود تا آنچه لازم است در حد فرصت موجود و «مصلحت»، بیان کند «این حرف دروغ است. اینها مال بی‌سوادهاست. شاید او که در گوشی به شما این مسایل را می‌گوید بی‌سواد است. بیانیه تهران، نامش مشخص است بیانیه است نه قرارداد ما مذاکره تهران را در مهر ۸۲ انجام دادیم. می‌دانید یوسی‌اف در سال ۸۳ افتتاح شد؟! یک‌یک‌زرد می‌دانید کی درآمد؟! زمستان ۸۳ ما انرژی هسته‌ای را متوقف کردیم؟! اتفاقاً ما کامل کردیم. نه اینکه من، دانشمندان ما این کار را کردند. «ما» که می‌گویم یعنی نظام و رهبری. ۱۲ روز بعد از مذاکرات تهران رهبری خود فرمود در این مذاکرات توسطه آمریکا و اسرائیل شکسته شد. اگر بخواهید عین عبارت رهبری را هم می‌خوانم. این همان بداخلاقی‌هاست که می‌گویم. این صداوسیمای شما! انتقد این بداخلاقی‌ها را گفته است شما هم باور کرده‌اید. روزی که من پرورنده را ترک می‌کردم هزارو ۷۰۰ ساترنیفیوز آماده داشتیم» روحانی در قالب یکی از نامزدی‌های غیراصولگرا، فرصت را غنیمت شمرد تا حتی به قیمت دعوت‌نشدن دوباره به این رسانه، از فضای انتخابات بهره برد و نشان دهد فضای یک‌سویه بدون حضور کسانی که امکان دفاع از عملکرد خود را داشته باشند، سرانجام شکسته خواهد شد. او در این برنامه دفاع مسووطی از برنامه هسته‌ای ایران در دوران اصلاحات داشت که مشروح آن در آن مقطع، در رسانه‌ها منتشر شد. در آن‌روزها و پس از آن، باز هم این دو نامزد غیراصولگرا -روحانی و عارف- و حتی دو نامزد منتقد اصولگرا -ولایتی و رضایی- بودند که نسبت به رویه صداوسیما انتقاد داشتند. برگزاری نخستین برنامه‌ای که رسانه عمومی به آن لقب «منظره» داده بود، انتقادات خود نامزدها، ستادها و البته اساتید ارتباطات و رسانه را به اوج رساند؛ برنامه‌ای که با فاصله از استانداردها و اصول حرفه‌ای و علمی مدیوم تلویزیون آن هم برای یک بحث چالشی، حداقل‌ها را هم نداشت و بیشتر قرار بود در آن وقت کم، طرح موضوعی صورت گیرد یا «کلیات» بیان شود. با این حال عارف، روحانی و به‌ویژه علی‌ولایتی توانستند از آن همان برنامه ناقص، با طرح موضوعاتی حساس و دامنه‌دار و «دوفره» کردن بحث، موضوعات موردنظر را به جامعه انتقال دهند.

تخریب از دوران اصلاحات

در طول دوران هشت‌سال فعالیت دولت اصلاحات، بارها عملکرد صداوسیما مورد انتقاد قرار گرفت و با استنادات روشن، این رسانه درباره جرایمی انعکاس دستاوردهای دولت خاتمی مورد سوال قرار گرفت. اینکه برخی اخبار بسیار بااهمیت در خصوص دستاوردهای دولت اصلاحات در بسیاری از حوزه‌ها خصوصاً سیاست خارجی، اقتصاد و فرهنگ حتی به عنوان «خبر چهارم» یا «پنجم» نیز تحت پوشش قرار نمی‌گرفت و نحوه مواجهه با مجلس اصلاحات نیز به همین منوال ارزیابی می‌شد و اعضای شورای شهر اول تهران نیز تأکید می‌کردند تنها صحنه‌های مربوط به اختلافات در راستای ایجاد دبیرنیی جامعه نسبت به عملکرد این شورا از «جبهه جادویی» پخش می‌شود و خاطره برنامه «چراغ» و «کنفرانس برلین» هنوز از ذهن جامعه برفته است. با این حال کم نیستند اصلاح‌طلبانی مانند عبدالله ناصری و احمد پورنجاتی که تفاوت‌هایی میان دوران لاریجانی و دوران ضرغامی قایل هستند. آنان، لاریجانی را چهره‌ای سیاسی و دارای تحلیل روشن می‌دانستند که سطح صداوسیما را بالا نگه داشته بود؛ موضوعی که در دوران پس از وی، با شرایط دیگری مواجه شد.

سیاست



صداوسیما، با انتقادات چه خواهد کرد؟

نقدی بر یک عملکرد

ضرغامی می‌آید

دوران ۱۰ساله حضور لاریجانی در صداوسیما که هفت‌سال آن مقارن با دولت اصلاحات بود، در سال ۸۳ به پایان رسید. درست مانند امروز، گم‌گه‌زنی‌هایی پیرامون رییس احتمالی این رسانه، مطرح بود اما این عزت‌الله ضرغامی بود که اتاق خود از معاونت مجلس و امور استان‌های سازمان را ترک کرد و به اتاق ریاست رفت. سال ۸۴، همراه و همفکر او و برخی دیگر از مدیران صداوسیما یعنی محمود احمدی‌نژاد، به پاستور راه یافت. آن هم در انتخاباتی که اصلاح‌طلبان به‌ویژه بر آن سوال را پرسید: «برخی می‌گویند در سعادیات همه چیز متوقف شد. چقدر دولت تدبیر انتقادپذیر است؟» اشاره او به همان مسایلی است که سال‌ها پیرامون عملکرد تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای دولت اصلاحات در برخی رسانه‌های خاص و به‌ویژه صداوسیما مطرح شده بود اما امکان پاسخگویی برای دیپلمات‌های شاخص و اعضای این تیم وجود نداشت. حسن روحانی آن شب گویی در انتظار طرح این سوال بود. برنامه زنده، فرصت مناسبی بود تا آنچه لازم است در حد فرصت موجود و «مصلحت»، بیان کند «این حرف دروغ است. اینها مال بی‌سوادهاست. شاید او که در گوشی به شما این مسایل را می‌گوید بی‌سواد است. بیانیه تهران، نامش مشخص است بیانیه است نه قرارداد ما مذاکره تهران را در مهر ۸۲ انجام دادیم. می‌دانید یوسی‌اف در سال ۸۳ افتتاح شد؟! یک‌یک‌زرد می‌دانید کی درآمد؟! زمستان ۸۳ ما انرژی هسته‌ای را متوقف کردیم؟! اتفاقاً ما کامل کردیم. نه اینکه من، دانشمندان ما این کار را کردند. «ما» که می‌گویم یعنی نظام و رهبری. ۱۲ روز بعد از مذاکرات تهران رهبری خود فرمود در این مذاکرات توسطه آمریکا و اسرائیل شکسته شد. اگر بخواهید عین عبارت رهبری را هم می‌خوانم. این همان بداخلاقی‌هاست که می‌گویم. این صداوسیمای شما! انتقد این بداخلاقی‌ها را گفته است شما هم باور کرده‌اید. روزی که من پرورنده را ترک می‌کردم هزارو ۷۰۰ ساترنیفیوز آماده داشتیم» روحانی در قالب یکی از نامزدی‌های غیراصولگرا، فرصت را غنیمت شمرد تا حتی به قیمت دعوت‌نشدن دوباره به این رسانه، از فضای انتخابات بهره برد و نشان دهد فضای یک‌سویه بدون حضور کسانی که امکان دفاع از عملکرد خود را داشته باشند، سرانجام شکسته خواهد شد. او در این برنامه دفاع مسووطی از برنامه هسته‌ای ایران در دوران اصلاحات داشت که مشروح آن در آن مقطع، در رسانه‌ها منتشر شد. در آن‌روزها و پس از آن، باز هم این دو نامزد غیراصولگرا -روحانی و عارف- و حتی دو نامزد منتقد اصولگرا -ولایتی و رضایی- بودند که نسبت به رویه صداوسیما انتقاد داشتند. برگزاری نخستین برنامه‌ای که رسانه عمومی به آن لقب «منظره» داده بود، انتقادات خود نامزدها، ستادها و البته اساتید ارتباطات و رسانه را به اوج رساند؛ برنامه‌ای که با فاصله از استانداردها و اصول حرفه‌ای و علمی مدیوم تلویزیون آن هم برای یک بحث چالشی، حداقل‌ها را هم نداشت و بیشتر قرار بود در آن وقت کم، طرح موضوعی صورت گیرد یا «کلیات» بیان شود. با این حال عارف، روحانی و به‌ویژه علی‌ولایتی توانستند از آن همان برنامه ناقص، با طرح موضوعاتی حساس و دامنه‌دار و «دوفره» کردن بحث، موضوعات موردنظر را به جامعه انتقال دهند.

۵ساله دوم

«در بهر همان پاشنه می‌چرخد؛ این امثال و حکم مشهور ایرانی- تصویر عینی شرایط این‌ روزهای بزرگ‌ترین رسانه دیداری، شنیداری متمرکز جهان است. از خرداد ۸۸ به خرداد ۹۲ رسیدهایم و پایان دوران پنج‌ساله دوم ریاست رییس فعلی بر «سازمان»؛ سازمانی بزرگ، عریض و طویل با بوروکراسی گسترده. صدها نقای متصفانه و مشفقانه‌ا هم رسانه که سعی می‌کنند گرایش سیاسی صداوسیما به یک تفکر خاص را نادیده بگیرند و حداقل راهکارهایی ارایه کنند که این رسانه حتی اگر شایبه عملکرد جناحی دارد، حداقل بر اساس قواعد کار حرفه‌ای «مدیا» عمل کند، شنیده نشده است. حالا دقیقاً یک‌دهه از حضور عزت‌الله ضرغامی بر ریاست سازمان می‌گذرد و معذور برنامه‌های نقد این رسانه، مجال انعکاس نیافت و آسیب‌شناسی آن در برخی رسانه‌های مستقل به این شکل دنبال شده است. پس از وقایع سال ۸۸، ماوریت ضرغامی برای یک دوره پنج‌ساله دیگر در این سازمان تمدید شد. دو سال ابتدایی این دوره، با فضای پس از انتخابات ریاست‌جمهوری دهم توأم بود. مرداد ۸۸ که ماموریت ضرغامی تمدید شد تا دوران موسوم به «دورکاری» احمدی‌نژاد در پاییز سال ۹۰ که سبب شد نوعی شکاف میان جریان اصولگرا پدید آید، بخش سیاسی این رسانه بیشتر معطوف به حضور چهره‌های مشخص در انواع برنامه‌های سیاسی اعم از منظره، گفت‌وگو و پخش سخنرانی باشد. مناظره‌هایی که نوعی «تایید و دفاع» بود چرا که هر دو سوی آن

پنج‌بصره به قانون اساسننامه سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران مصوبه مجلس شورای اسلامی که مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفته بود، مطرح شد و پس از بحث و بررسی‌های مبسوط در مورد پیشنهاد کمیسیون علمی، فرهنگی و اجتماعی مجمع تشخیص مصلحت نظام، یک‌ماده و دوتبصره به شرح ذیل به قانون اساسنامه سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران به عنوان ماده(۳۰) افزوده شد و شماره ماده (۳۰) به ماده (۳۱) اصلاح شد؛ «ماده ۳۰؛ چنانچه در برنامه‌های پخش‌شده سازمان (اعم از خبری، گزارشی، تولیدی در قالب‌های مختلف بیانی، تصویری و نمایشی) از شبکه‌های محلی، سراسری و بین‌المللی یا در اطلاعیه‌های صادره از سوی آن سازمان، مطالبی مشتمل بر توهین، افترا یا خلاف واقع نسبت به هر شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی) باشد یا به هر نحوی اظهارات اشخاص تعریف نادر محل‌دلیل برای احقاق حق طی خواهد شد. همچنین مدعی می‌تواند اعتراض خود را کتبا به سازمان صداوسیما منعکس کند. سازمان صداوسیما در صورت قبول اعتراض طرف ۲۴ساعت پاسخ را به صورت عادلانه و حداقل دو برابر زمان اصل مطلب که از پنج‌دقیقه کمتر نباشد در همان برنامه شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی) افترا، تخریف یا توهین واقع به آن قانن به شاکی اجازه داده شده در صورت استکفاف صداوسیما، در نهادهای دیگر طرح دعوی کند؛ «در صورت عدم توافق میان معترض و سازمان صداوسیما، وی می‌تواند موضوع را برای رسیدگی به شورای نظارت بر سازمان صداوسیما به عنوان مرجع تشخیص وقوع توهین، افترا، تخریف یا توهین واقع منعکس کند و شورای نظارت نیز موظف است در اسرع وقت (حداکثر ۴۸ساعت) به مساله رسیدگی کرده و در صورتی که حق را به دی‌تفع داد نظر خود را به سازمان صداوسیما ابلاغ کند و سازمان صداوسیما موظف است پاسخ ذی‌تفع را مشروط به آنکه متضمن توهین و افترا به کسی نباشد، حداقل دو برابر مدت‌زمان مطالب اصلی که از پنج‌دقیقه کمتر نباشد و تا حداکثر ۲۴ساعت پس از دریافت پاسخ در همان برنامه و ساعت و در همان شبکه به‌طور رایگان پخش کند.» این قانون دو تبصره هم دارد؛ «اگر سازمان علاوه بر پخش پاسخ مذکور، مطالب یا توضیحات مجردی را که متضمن توهین، افترا یا تخریف باشد، پخش کند، ذی‌تفع حق پاسخگویی مجدد دارد. پخش قسمتی از پاسخ یا افزودن مطالبی به آن در حکم عدم پخش است.» در آن مقطع یعنی حدود پنج‌سال پیش از معاون وقت صداوسیما پرسیده شد با توجه به اینکه از ویژگی‌های رسانه دینی، اخلاق‌گرا بودن و توجه به آحاد مخاطبان این رسانه است، از زمان تصویب قانون شورای اخلاق حق در برنامه‌های صداوسیما چقدر در جهت اجرایی‌کردن این قانون گام برداشته و شرایط را برای مواردی که در این‌باره پیش آمده است، فراهم کرده‌اند تا از خودشان دفاع کنند و دارایی باز هم پاسخی کلی داد؛ «اولاً این مصوبه نیاز به آیین‌نامه‌های اجرایی دارد که این آیین‌نامه‌ها را باید صداوسیما با همکاری شورای نظارت بر صداوسیما که نمایندگان قوای سه‌گانه در آن هستند، تبیین کند و بخشی را نیز خود رسانه تنظیم کند.» روند حرکتی صداوسیما اما در تمام این سال‌ها تا حدودی تغییر چندانی نکرد. پس از ماجرای اختلافات اصولگرایان و احمدی‌نژاد، به‌تدریج برخی انتقادات محدود نسبت به دولت دهم شنیده شد و این در حالی بود که در معدود روزنامه‌ها، مجلات و سایت‌های مستقل، روزانه ده‌ها کارشناس، استاد دانشگاه، مدیر اجرایی سابق، اقتصاددان و دیپلمات سابق، اقدامات و تصمیم‌گیری‌های دولت را برای کشور نامطلوب می‌دانستند اما اثری از آنها در صداوسیما دیده نمی‌شد.

پس از انتخابات

طولی نکشید که مردم در ۲۴خرداد ۹۲، نشان دادند که نده‌های رسانه‌های غیر از صداوسیما را می‌خوانند و می‌بینند؛ نقدهایی که در رسانه بزرگ این روزها یعنی «شبکه‌های اجتماعی» بارها بازنشر می‌شود. مردم دولتی با رویکرد متفاوت را برگزیدند. اما از همان روزها مشخص بود، فضای پیش از دولت احمدی‌نژاد در این رسانه در قبال دولت، احتمالاً شکل داده خواهد شد. چند گفت‌وگوی زنده رییس‌جمهور با مردم، با حاشیه‌های بسیاری همراه بوده است، پوشش اخبار، صدای مسوولان دولت و کارشناسان مستقل رسانه را درآورد؛ است و به قول روحانی: «صداوسیما به‌گونه‌ای به دولت یازدهم نقد وارد می‌کند که گویی دولت در ماه‌های پایانی آن قرار دارد.» با این اوصاف، حرفی مدعی‌نای‌ای که همسر رییس‌جمهور گرفته به اقسام توهین‌ها و تهمت‌ها نایل شد. دولت که اعلام کرد شکایت نمی‌کند و رسانه‌ها هم که راه خودشان را می‌روند تلاش‌هایی که صورت گرفته، تلاش‌هایی از جنس منع بوده. برای حل مشکل نگرانی فرهنگی رفته به سمت منع، پارتیزان و جلوگیری برای فرهنگ از دریافت‌کننده‌ها! ما قواری نیز فیلترینگ را بعد از چند کشور داریم. عضو هیات علمی دانشگاه امام‌صادق(ع) می‌گوید: «بالای ۷۰ درصد مصرف‌کننده‌های رسانه در تهران از ماهواره استفاده می‌کنند و نیز درصد مصرف‌کننده‌های فیلترینگ نیز واضح و روشن است. ما در مسیری رفتیم که با وجود هزینه‌های بالا، دستاورد فرهنگی‌ای نداشته‌است.»

دیدگاه

مضرات یک رویکرد



صادق زیباکلام استاد دانشگاه تهران

با توجه به ارقام و آمارها و سخنانی که هر از گاهی خود مسوولان صداوسیما درخصوص این واقعیت که کسر قابل‌توجهی از ایرانیان به ماهواره‌های فارسی‌زبان نگاه می‌کنند و ظاهراً هم آمار در حال افزایش است، بیان می‌شود به‌نظر می‌رسد که خیلی سخنی به اغراق نرفته باشد اگر بگوییم که در رقابت نفس‌گیر جلب اعتماد عمومی و مخاطب، صداوسیمای ایران، نتوانسته توفیق لازم را به دست آورد. این اتفاق را به شکل دیگری هم می‌توان نظاره کرد. در بعضی از موارد، برخی از مسوولان ما در حالی‌که سرگرم یک بحث و جدل جدی با مخاطب خود هستند، برای اثبات صحت بحث خود ناخودآگاه می‌گویند که «خود بی‌سی‌سی این مطلب را دیشب گفت.» مساله فقط این نیست که این دست گزاره‌ها بیانگر آن است که پس برخی از مسوولان هم دست‌کم اخبار و گزارشات شبکه‌های فارسی‌زبان را نگاه می‌کنند. چرا چنین شد؟ و چرا در مدت‌زمانی کمتر از چند سال، این شبکه‌ها نتوانستند هم مخاطب ثابت پیدا کنند و هم مورد استناد قرار گیرند؟ چرا صداوسیمای خودمان با وجود آن همه بودجه و امکانات و برخورداری از انحصار رسانه‌ای، بودجه قابل‌توجه و وجود امکانات، نتوانسته کارنامه‌ای در خور شأن این‌ رقابت، ارایه کند؟ در پاسخ باید به یک تفاوت مبنایی به کارکرد خبری و رسانه‌ای صداوسیمای خودمان با شبکه‌ها و رسانه‌های خبری بین‌المللی اعم از فارسی‌زبان و غیرفارسی‌زبان اشاره کرد. نگاه صداوسیمای خودمان به خبر و اطلاع‌رسانی، نگاهی کمتر حرفه‌ای است.

به بیان دیگر این سازمان، خبررسانی یا اطلاع‌رسانی نمی‌کند بلکه از طریق این کار در حقیقت تلاش می‌کند تا برای باورهای سیاسی خود، مصداق ارایه کند. این رسانه یک باور سیاسی مشخص دارد و در نتیجه همه محتوالات را چه در داخل و چه در سطح بین‌المللی، از منظر یا زاویه آن جهان‌بینی خاص تعقیب می‌کند و چون مانند هر انسان معتقد به این نوع نگاه، تأکید دارد که آنچه او باور دارد درست بوده و مابقی باطل هستند، بنابراین خبررسانی و پخش خبر برایش اطلاع‌رسانی و ابلاغی‌بخشی نیست بلکه همانطور که پیش‌تر اشاره کردیم جهت ترویج دیدگاه خود به آنها می‌نگرد. اگر بیننده‌ای به فرض به مدت یک هفته تمام، تمام برنامه‌های خبری این رسانه را رصد کند، با کمال تعجب متوجه می‌شود هیچ رویدادی نه در جهان و نه در ایران اتفاق نمی‌افتد که بر خلاف جهان‌بینی و باورهای صداوسیما باشد. اگر فرضاً رییس‌جمهور کشوری حرفی زده و موضع‌گیری کرده، آن سخن دقیقاً مطابق ملاحظات و معیارهای صداوسیمای ماست.

از آنجا که عقلا و منطقاً همه رویدادهای جهانی نمی‌توانستند و نمی‌تواند مطابق الگوها و ملاحظات و معیارهای صداوسیما اتفاق افتاده باشد و ای‌سا که خیلی از آنها مغایر با باورهای ما بوده باشند، بنابراین صداوسیما مجبور است که روایت خبری و اطلاع‌رسانی خود را به‌گونه‌ای «تنظیم» کند که مغایرتی با چارچوب‌های فکری و جهان‌بینی‌اش پیدا نکند.

سوالی که پیش می‌آید آن است که با حوادث، رویدادها و تحولاتی که مغایر با دیدگاه‌های ما اتفاق می‌افتند، صداوسیما چه می‌کند؟ پاسخ کوتاه آن است که به‌ویژه در یک دهه اخیر، یکسری از این رویدادها را اساساً اطلاع‌رسانی نمی‌کنند، گویی این رویدادها هیچ‌گاه اتفاق نیفتاده‌اند. حتی برخی رویدادهای داخلی که تبتیر یک یا عکس یک روزنامه‌های حرفه‌ای داخلی ما شده‌اند و انصافاً مهم‌ترین رویداد روز به‌شمار می‌روند، اساساً در یکسری رسانه صداوسیما دیده نمی‌شوند. یکسری دیگر از اخبار و رویدادها را کامل پوشش نمی‌دهد، یکسری اتفاقات را پررنگ می‌کند و یکسری دیگر را که باز با باورهایش نمی‌خواند کمرنگ می‌کند و سرانجام باید گفت تاکتیک دیگرش، «نگفتن» است.

اشکال آن است که میزان اعتماد مخاطب به آنچه گزارش می‌شود پایین می‌آید. بنابراین تصادفی و به دور از انتظار نیست که بسیاری از خود اصولگرایان هم وقتی می‌خواهند بدانند واقعاً چه اتفاقاتی افتاده و در جهان چه خبر است، به جای دریافت امواج این رسانه، به شبکه‌های خبری دیگر از جمله شبکه‌های بین‌المللی مراجعه می‌کنند چراکه آنها خود بیش از شهروند دیگری می‌دانند اخبار صداوسیما به همه وجوه رویدادها نمی‌پردازد و تنها آنهایی مجال انتشار یافته‌اند که با استانداردهای خودشان منطبق هستند.